فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی ششم، شماره‌ی ۲، پاییز ۹۶، صفحات ۱۰۱-۷۵

بررسی عوامل اجتماعی موثر بر خشونت خیابانی (مطالعه موردی: شهر ارومیه)

رضاعلی محسنی[۱]،سجاد معین فر[۲]،علی معین فر[۳]،پرویز علیزاده[٤]

تاریخ دریافت:۱۳۹۵/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹٦/۰٦/۲٦

چکیده

زمینه و هدف :هدف پژوهش حاضر، بررسی عوامل اجتماعی موثر بر خشونت خیابانی (مطالعه موردی: شهر ارومیه) می‌باشد. در پژوهش حاضر عمدتاً از تئوری‌های از بی‌سازمانی اجتماعی شاو و مک‌کی، یوال دیویس، ساندرز، دولارد، گسن، آنومی دورکیم، کنترل اجتماعی هیرشی استفاده شده است.

روش بررسی: پژوهش حاضر توصیفی از نوع پیمایشی بوده که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و به وسیله پرسشنامه محقق‌ساخته بر روی٤٦٨ نفر از شهروندان شهر ارومیه در سال۱۳۹۳ انجام گردید. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه گام‌به‌گام از نرم افزار spss استفاده شد. پایایی پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ (خشونت خیابانی ۰/۷۸، افول اخلاق در فرهنگ عامه ۰/۸۲، بزه‌دیده‌گی ۰/۷۵ ، کم‌رنگ شدن اعتقادات مذهبی ۰/۷٦، عدم رعایت هنجارهای ترافیکی ۰/۸۱، عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان ۰/٦۹، جلب کردن توجه دیگران ۰/۷۷،عدم اجرای درست قوانین از سوی متولیان امر۰/۸٤، قوم‌گرایی ۰/۸٦ و افت سرمایه‌اجتماعی ۰/۸۰) و برای روایی از روایی سازه وآزمون فرضیات تحقیق از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند گانه گام‌به‌گام استفاده شد.

یافته‌ها: تحلیل داده‌های این پیمایش نشان داد بین گرایش شهروندان به خشونت خیابانی با متغیرهای کم رنگ شدن اعتقادات مذهبی، افول اخلاق در فرهنگ عامه، عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان، عدم رعایت هنجارهای ترافیکی ، عدم اجرای درست قوانین از سوی متولیان امر ، جلب کردن توجه دیگران، بزه دیده گی، افت سرمایه اجتماعی، قوم گرایی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از رگرسیون گام به گام نشان داد که بزه دیده گی،افول اخلاق در فرهنگ عامه،جلب کردن توجه دیگران بیشترین تاثیر را در تبیین گرایش شهروندان به خشونت خیابانی دارد.که به صورت واقعی و تعدیل یافته ۳٤/٦ درصد از واریانس خشونت خیابانی توسط متغیرهای مستقل تبیین و پیش بینی می‌شود.

کلید واژه: خشونت خیابانی،بزه دیده گی،قوم گرایی،افول اخلاق در فرهنگ عامه

[۱] دانشیار جامعه شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز mohseninet@yahoo.com

[۲] دانشجوی دکترای جامعه شناسی بررسی مسایل اجتماعی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز (نویسنده مسئول) sajjadmoeinfar@gmail.com

[۳] دانشجوی دکترای جامعه شناسی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز alimoeinfar1341@gmail.com

[٤] دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز parviz.a53@gmail.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

بیان مسئله

مسایل اجتماعی جامعه، پدیده‌های اجتماعی، اعم از شرایط ساختاری و الگوهای کنشی هستند که در مسیر تحولات اجتماعی قرار می‌گیرند (عبداللهی، ۱۳۸۳ : ۳۷). مسایل اجتماعی به عنوان پدیده‌های نامطلوب، اذهان صاحبنظران و افکار عمومی را به خود مشغول داشته‌اند و خشونت از جمله مسایل اجتماعی می‌باشد که نه تنها متاثر از جنبه‌های مختلف حیات بشری است، بلکه برآن‌ها نیز تاثیر گذار خواهد بود. خشونت رفتاری است که هدف آن صدمه زدن به خود یا دیگران از روی قصد یا عمد است (نیرومند زندی و همکاران ، ۱۳۸۳ : ۲۵). خشونت خیابانی رفتاری است که برای آسیب رساندن به دیگری از کسی سر می زند و دامنه آن از تحقیر و توهین، تجاوز، ضرب و جرح تا تخریب اموال و دارایی و قتل گسترده است (صدیق سروستانی ، ۱۳۸۷ : ۱۱۳) . از جانب دیگرخشونت خیابانی بر خلاف انواع دیگر آن عمدتا پدیده‌ای شهری است و در شهرهای بزرگ که میزان آشنایی افراد با هم کمتر است، انگیزه ارتکاب آن نیز بیشتر است . خشونت خیابانی درگیری بدنی یا رفتار پرخاشگرانه و ستیزه جویانه است که حداقل شامل دو نفر است و از این منظر که در چارچوب و محدوده روابط متقابل اجتماعی تجلی و بروز می‌یابد می‌توان آن را به عنوان یک پدیده اجتماعی تعریف نمود (صدیق سروستانی ، ۱۳۸۷ : ۱۱). از منظر برخی از صاحبنظران یکی دیگر از موارد و عوامل مهم در گرایش افرادبه خشونت خیابانی مشاهده آن پدیده و یادگیری آن طی فرایند اجتماعی شدن است. بر اساس تئوری یادگیری اجتماعی باندورا، رفتارهای ناهنجار، مثلا گرایش به خشونت خیابانی زاییده یادگیری اجتماعی هستند (ربانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۰). به نظر کلمن اگر سرمایه اجتماعی نابود شود روابط اجتماعی از بین می‌رود و در نتیجه انتظارات و تعهدات هم از بین خواهد رفت و نظام اعتمادی نابود و این امر منجر به خشونت خواهد شد (کلمن، ۱۳۷۷). وقوع جرم خشونت آمیز ممکن است سرمایه اجتماعی را از طریق کاهش احساس اعتماد در بین اعضای اجتماع کاهش دهد به عنوان مثال، موزر و هلند در تحقیقات خود یک رابطه دوری (چرخه‌ای) بین خشونت خیابانی و تخریب سرمایه اجتماعی یافته‌اند. آنها مطرح کرده‌اند، هنگامی که خشونت خیابانی اتفاق می‌افتد، تحرک فیزیکی در محل محدود می‌شود، فرصت‌های اشتغال و آموزش کاهش می‌یابد و افراد محل کمتر احتمال دارد که خانه‌های جدید بسازند یا املاک موجود را تعمیر یا بهبود ببخشند. این کاهش در سرمایه اجتماعی، بی‌اعتمادی ناشی از تخریب فراساختارها ، تسهیلات و فرصت‌ها را افزایش داده و احتمال رفتارخشونت‌آمیز به ویژه در میان افراد جوان را در خیابان‌ها و محلات زیادتر می‌نماید

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

(چلبی و مبارکی،۱۳۸٤: ۳٦). هیرشی معتقد است آنهایی که پیوند قوی با جامعه دارند از شکستن قواعد و معیارهای آن خودداری می‌کنند و آنهایی که پیوند ضعیفی با هنجارهای جامعه دارند و یا هیچ پیوندی با آنها ندارند ، برای کجروی مستعدتر و آزادترند (ممتاز ، ۱۳۸۱ : ٤۰). بروس کوئن خشونت را بعنوان یک انحراف نتیجه نارسایی‌های موجود در یک فرهنگ و ساختار اجتماعی جامعه می‌داند (کوئن، ۱۳۸٦). وقتی در جامعه محتوای فرهنگ عمومی دچار خلا یا کاستی‌هایی می‌گردد و یا ارزش‌های متعالی که خوراک مناسب به فرهنگ هر جامعه می‌دهند دچار سوء کارکرد شوند ، فرهنگ اخلاقی جامعه دچار اضمحلال و رکود می‌گردد. در چنین فضایی عادات و آداب نامناسب اخلاقی به جای ارزش‌های متعالی رشد و نمو یافته و ذهنیت شهروندان آن جامعه را دچار مسایل غیر اخلاقی می‌سازد. بعنوان مثال بخش ناسزاگویی زمانی گسترش می‌یابد که فرهنگ اخلاقی در جامعه کمرنگ شود (ناظری ، ۱۳۸۹ : ۳۰). گسترش دامنه خشونت خیابانی به ویژه در سال‌های اخیر در جامعه ایران یکی از جدی‌ترین آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌رود .آمارهای نیروی انتظامی استان آذربایجان غربی نیز موید همین نکته‌اند. چرا که میزان ضرب و جرح از ٤٤۲۵ در سال ۸۷ به ۸۲۳٤ در سال ۸۸ در استان آذربایجان غربی رسیده است و این رقم در سال ۱۳۹۵ به ۱۵۲۳۷ مورد رسیده است. بنا بر اعلام نیروی انتظامی آذربایجان غربی نزاع و درگیری‌های خیابانی رتبه اول را در بین جرائم استان به خود اختصاص داده است. یکی از مهم‌ترین دلایل نزاع و درگیری‌های خیابانی در خیابان‌های استان به دلیل برخی مسائل ترافیکی و شیوه رانندگی شاهد نزاع‌ها و درگیری‌های خیابانی است. شهرستان ارومیه به دلیل اینکه بیشترین جمعیت استان را به خود اختصاص داده است و بسیاری از مردم از شهرستان‌های استان مهاجرت می‌کنند سبب ازدحام بیشتر مردم در معابر پرتردد شده و در نتیجه آمار نزاع و درگیری در این شهرستان نسبت به سایر شهرهای استان بالا است (قربانی،۱۳۹۵). بر طبق نظر فرمانده انتظامی استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۹۵ نزاع خیابانی مهمترین آسیب اجتماعی استان آذربایجان غربی و شهر ارومیه می‌باشد که آمار ورودی پرونده‌های دادگستری نیز موید همین نکته می‌باشد (سالنامه آماری، ۱۳۹٤). در این مورد تردیدی وجود ندارد که وجود خشونت در جامعه می‌تواند آسیب‌های جدی جسمی و روانی را به افراد و خسارت‌های بزرگی را به اموال وارد آورد و هنگامیکه اشاعه یابد می‌تواند آسیب‌های عمیقی را به روابط اجتماعی وارد سازد (پور چیت ساز، ۱۳۸۲ : ۲۳). به طور معمول خشونت خیابانی از جمله مسایل اجتماعی است که علاوه بر ایجاد فضایی آکنده از خشم و نفرت و مکدر کردن روابط انسانی در بین اقوام مختلف، امنیت شهر ارومیه را نیز بعنوان

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

یک کلانشهر از جنبه های مختلف تهدید نموده و به نوعی انسجام جامعه را با مشکل روبرو می‌سازد. بنابراین با شناخت عوامل موثر بر خشونت خیابانی، می‌توان در جهت رفع مکانیسم‌های آن فرهنگ‌سازی کرده و با نظارت صحیح، به جای اعمال رویه‌های نامطلوب برای این مساله، بسترهای لازم و مناسب را حداقل به منظور کاهش آن فراهم آورد. در این راستا پژوهش حاضر در پی پاسخ به سوالات زیر می باشد: میزان گرایش شهروندان ارومیه به خشونت خیابانی تا چه حد می‌باشد؟ و عوامل اجتماعی موثر بر آن کدامند؟

پیشینه تجربی

نتایج پژوهش طالب، نجفی اصل و احمدی اوندی (۱۳۹۶) با عنوان مطالعه کیفی عوامل اجتماعی ـ فرهنگی مؤثر بر نزاع‌های دسته جمعی (مورد مطالعه: شهرستان ایذه) نشان می‌دهد که تعصبات طایفه‌ای، جمع‌گرایی عمودی، همبستگی درون‌گروهی، پیوندهای خویشاوندی، مسائل ناموسی، عمومی‌شدن خشونت و نزاع، اختلافات ملکی، بیکاری، رقابت نخبگان، فروپاشی ساختار سنتی مدیریت، بی‌اعتمادی به مراجع قضایی و انتظامی، آگاهی از محرومیت، تجربه‌ی عینی نزاع (مشاهده و مشارکت) و مسائل و خاطرات ناخوشایند گذشته‌ی بستر و زمینه‌ی نزاع دسته جمعی را مهیا می‌کنند.

نتایج پژوهش جهانگیری و زهدبیگلری (۱۳۹۳) با عنوان برساخت‌های شخصی پسران از نزاع‌های بین فردی خود در بستر محلات شیراز (مشارکت کنندگان: مهرجویان کانون اصلاح و تربیت استان فارس) نشان داد که پسران در فضای اجتماعی نامساعد محلات خود، به طور مکرر در معرض نزاع‌های متنوع قرار می‌گیرند. با این مواجهه، علاوه بر حساسیت‌زدایی نسبت به پدیده نزاع و مشروعیت بخشی به کاربرد آن، این قضیه در ذهن پسران خطور می‌کند که آنها نیز ممکن است قربانی نزاع شوند؛ بنابراین ترس از بزه‌دیدگی و همچنین پیش‌بینی قربانی‌شدن، آنها را به فکر چاره ای اساسی می‌اندازد. بر این اساس پذیرش ارتکاب نزاع، مطلوب‌ترین و اجتناب‌ناپذیرترین راهبرد برای حل مسائل شخصی و خانوادگی، در دسترس پسران محلات پایین شهری است. آنها با ارائه و نمایش یک نزاع شکوهمند و فتح آن، نه تنها مشکل حاضر خود را حل می‌نمایند، بلکه با کسب یک هویت قمپزی، از خطرات احتمالی آتی نیز پیشگیری می‌کنند. از نظر پسران، کسب هویت قمپزی در این محلات برای ادامه حیات ضروری است که منجر به کاهش آسیب و در نهایت باعث بیمه‌شدن خود و دگران مهم آنها در برابر انواع قربانی‌شدن می‌شود.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

نتایج پژوهش نصیری(۱۳۹۳) با عنوان بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر گرایش به نزاع های دسته جمعی شهرستان کارون نشان داد که متغیر احساس محرومیت نسبی، قوم‌گرایی، اعتماد عمومی با گرایش به نزاع رابطه معناداری دارند.

نتایج تحقیق حیدری چروده (۱۳۸۹) تحت عنوان «تحلیل جامعه شناختی تاثیر رفتار قربانیان خشونت و ارتباط آن با رفتار خشونت‌آمیز علیه آنان» با جامعه آماری دختران و زنان ۳۰-۱۸ ساله ساکن در شهر مشهد نشان داد که مزاحمت از طریق وسایل نقلیه، زل زدن و خیره شدن و متلک پرانی از اشکال رایج رفتارهای خشونت‌آمیزی است که بیش از دو سوم زنان و دختران در طول دوره بررسی حداقل یکبار تجربه کرده‌اند. ضعف پایگاه اجتماعی- اقتصادی و رفتار غیراجتماعی قربانیان متغیرهای مستقلی‌اند که احتمال قربانی‌شدن زنان و دختران را در زمینه خشونت افزایش می‌دهند و بر عکس پایبندی مذهبی زنان و دختران مهمترین عاملی است که احتمال رفتار خشونت آمیز علیه آنان را کاهش می‌دهد.

یافته‌های پژوهش ربانی و همکاران (۱۳۸۸) تحت‌عنوان «بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی موثر بر گرایش به نزاع جمعی (مطالعه موردی شهرستان‌های منتخب استان ایلام)» به انجام رسید، نشان داد، الف) گرایش به نزاع در بین جامعه مورد بررسی متوسط به بالابوده، ب) از بین متغیرهای مستقل مطرح شده ، تأثیر کل متغیرهای پرخاشگری و قوم‌گرایی (به میزان برابر) بر متغیر گرایش به نزاع جمعی، بیش از سایر متغیرها بوده و ج) تأثیر متغیر کنترل اجتماعی بر گرایش به نزاع جمعی، کاهنده بوده است.

نتایج پژوهش نظری و امینی فسخودی (۱۳۸۷) با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی عوامل موثر بر گرایش به نزاع جمعی، در مناطق روستایی استان ایلام» حاکی از تاثیر معنی‌دار مثبت متغیرهای "پرخاشگری"، "قوم گرایی" و "تجربه عینی نزاع" و همچنین تاثیر معنی‌دار منفی میزان تحصیلات بر روی میزان گرایش به نزاع می باشد.همچنین هیچ گونه تفاوت معنی داری بین دو گروه زنان و مردان و افراد متاهل و مجرد در مورد گرایش به نزاع در جوامع روستایی استان وجود ندارد.

آقاجانی (۱۳۸۳) در یک پژوهش انجام یافته در باره خشونت شهروندان، ضعف فرهنگی مزاحمان، درونی نشدن ارزش های دینی، شیوه‌های نامناسب تربیتی در خانواده، ناسازگاری خانوادگی، رفتار تبعیض آمیز والدین علیه فرزندان تهاجم رسانه‌ای بیگانه و عملکرد نامناسب سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی از عوامل موثر بر خشونت خیابانی قلمداد کرده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مبانی نظری تحقیق

در این مقاله تلاش شده است که ابتدا مفهوم خشونت خیابانی و سپس نظریاتی در خصوص عوامل مرتبط با خشونت ذکر شود. خشونت در ادبیات علوم اجتماعی و حقوقی معانی متفاوتی دارد؛ چنان چه فکوهی خشونت را اعمال یک نیروی فیزیکی بر یک شی یا فرد یا گروه اجتماعی تعریف می‌کند (فکوهی، ۲۷٦:۱۳۸۳). خشونت را می‌توان عملی آسیب رسان دانست که فرد برای پیشبرد مقاصد خویش انجام می‌دهد و صرفا جنبه فیزیکی ندارد؛ بلکه ابعاد روانی (فحاشی، تحقیر، منزوی کردن، داد و فریاد، آزار و مزاحمت خیابانی و تجاوز) و اقتصادی (شکستن وسایل موجود در محیط اطراف) به خود می‌گیرد (کار،۲۷۲:۱۳۷۹). مفهومی از خشونت که در این پژوهش مد نظر بوده، نوعی از خشونت است که در فضاهای شهری رخ می‌دهد و رفتارهای غیرمدنی یا بی نزاکتیجهای عمومی را دربر می‌گیرد این رفتارها (مانند رفتار جوانان بی ادب یا رفتار متکدیان) گرچه به لحاظ قانونی جرم محسوب نمی‌شود، اما راحتیِ حضور مردم درفضاهای عمومی را از بین می برد. خشونت خیابانی رفتاری است که برای آسیب رساندن به دیگری از کسی سر می زند و دامنه آن از تحقیر و توهین، تجاوز، ضرب و جرح تا تخریب اموال و دارایی و قتل گسترده است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷ : ۱۱۳).

به نظر گسن (گسن، ۱۳۷٤: ۱۹) شایسته است در توضیح عمل خشونت آمیز بین دو رشته از عناصر فرق گذاشته شود: از یک سو، عوامل شخصیت و وضعیت که شناخت علت عمل را گزارش می دهند؛ از دیگر سو فرآیندهای تعامل که منجر به فعلیت یافتن می‌شود و پویایی عمل را تشکیل می دهد (همان: ۱۵۲). بدین ترتیب، عمل جنایی پاسخ شخصیت به وضعیت معین است. می توان علت شناسی خشونت را در «شخصیت بزه کار» یا در «وضعیت ماقبل جنایی» و یا در محل برخورد «عنصر» عمل قرار داد (همان: ۱۵۳).

«بزه دیده» به عنوان یکی از عوامل ماقبل جنایی می تواند نقش مهمی در فرآیند ارتکاب خشونت خیابانی بازی کند، چرا که او علاوه بر تسریع فرآیند گذر از اندیشه به فعل مجرمانه از طریق تحریک، ترغیب، اغوا، ... بزه کار بالقوه، ممکن است به خاطر خصوصیات آسیب شناختی، فرصت و مناسبت ارتکاب عمل را بر عنوان آماج‌هایی مناسب برای بزه کاران بالقوه فراهم نماید. در میان عواملی که به عنوان وضعیت ماقبل جنایی، زمینه ساز تحقق خشونت هستند، مطالعه قربانی خشونت و روابط او با مجرم و تأثیر عملکرد وی در تحقق پدیده مجرمانه از مهم‌ترین

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

موضوعاتی است که افق تازه‌ای را در تحقیقات جرم شناسی و قلمرو آن گشوده است (گسن، ۱۳۷٤: ۱۹٦).

بزه دیدگی نیز اغلب معلول عوامل مختلفی چون ضعف جسمی، عدم تعادل روحی و روانی، فقدان موقعیت اجتماعی و عدم مراقبت محیطی بوده و میزان «بزه دیدگی» برخی از افراد به لحاظ ویژگی های خاصی که دارند بیش از سایرین است. بنابراین می توان این گروه از بزه دیدگان را بزه دیدگان مستعد و بالقوه آسیب پذیر معرفی کرد (توجهی، ۱۳۷۷: ۲۸٦). به همین جهت زلیگ، یک قربانی کاملاً مناسب را به علت ویژگی های مستعدی که دارد، از مهم ترین وضعیتهای پیش جنایی دانسته است (گسن، ۱۳۷٤: ۱۹۳).بی تردید، بزه دیده به عنوان رکن اساسی وضعیت ماقبل جنایی میتواند نقش مهمی در به جریان انداختن و طی طریق فرآیند خشونت خیابانی ایفا نماید و وجود افرادی آسیب‌پذیرتر از سایرین که کم و بیش برای بزه کاران بالقوه مطلوب بوده و آماج و اهداف مناسبی برای آنها محسوب می‌شوند، می‌تواند چه در مرحله شکل گیری «نقشه خشونت» و یا «اندیشه مجرمانه» و چه در مرحله عملی کردن آن، موجب تسریع حرکت فرآیند جنایی گردد.

به هر حال در مورد آن دسته از بزهجدیدگانی که درباره آنها انتخاب صورت می‌گیرد، وجود مولفه‌هایی چون جذابیت، قابلیت کنترل، امکان دسترسی آسان، فقدان خطر یا کم خطر بودن آن و موارد مشابه، در امر گزینش آنان سهیم خواهد بود. به عبارت دیگر می‌توان مدعی شد که میان بزه کاری و بزه دیدگی ارتباط و تشابه عمیقی وجود دارد (توجهی، ۱۳۷۷: ۲۸۵). بدینجسان می‌توان گفت که «خطر بزه دیده واقع‌شدن» به طور مساوی میان افراد جامعه توزیع نشده است (توجهی،۱۳۷۷: ۲۸٦) و عده‌ای از افراد به خاطر عوامل آسیب شناختی و ویژگی‌های خاص، بیشجتر از سایر افراد جامعه در معرض انتخاب شدن از سوی بزه کاران قرار دارند.

طبق نظریه دورکیم، در جوامع مکانیکی جرم طبیعی است (مجازات جنایتکاران که در تمام فرآیند نفرت انگیز تشبیه شده، نگهدارنده همبستگی اجتماعی است). در جوامع ارگانیکی کارکرد قانون، تنظیم کنش‌های متقابل بخش های مختلف جامعه است. هنگامی که این قوانین کافی نباشند، آنومی رخ می‌دهد. آنومی به مفهوم فقدان اجماع در مورد اهداف اجتماعی، انتظارات جمعی و الگوی رفتار برای اعضا جامعه است. این حالت منجر به محو و غیبت تدریجی آتوریته و ضابطه اخلاقی می‌شود و جامعه کنترل اجتماعی خود را از دست می‌دهد. هنگامی که جامعه در حال‌گذار و دگرگونی است، بسیاری از انسان‌ها دچار سرگردانی می‌شوند و قواعد و ارزش‌های جامعه، برای آنها بی‌اهمیت و کم ارزش می شود. از سوی دیگر ارزشهای جدید و منطبق با شرایط نیز، هنوز در

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جامعه جا نیفتاده است. در واقع جامعه دو ساخت دارد. در این جامعه برخی از ساخت کهن و برخی از ساخت نوین تبعیت می‌کنند (ساروخانی، ۱۳۷٦: ۱۲۸). از نظردورکیم فروپاشی وجدان جمعی یا تضعیف آن، یعنی تضعیف یا فروپاشی نظام فرهنگ در جامعه سنتی، عامل پیدایش عدم تعادل و بی نظمی بوده و باعث نابودی همبستگی اجتماعی می گردد؛ دورکیم بر این باور است که هرگاه وضعیت هنجارهای اجتماعی نفوذ خود را بر رفتار فرد از دست بدهند، درآن صورت کج رفتاری اجتماعی پدید خواهد آمد (گیدنز،۱۳۷۳:۸۰). دورکیم معتقد بود زندگی بدون وجود الزام‌های اخلاقی یا ضرورت‌های اجتماعی تحمل‌ناپذیر می‌شود ودر نهایت نیز به شکل گیری پدیده آنومی یعنی نوعی احساس بی هنجاری می انجامد که اغلب مقدمه‌ای برای بروز کجروی و نزاع است (کوزر،۱۳۹۳:۱۹۱).

در شرایط فقدان اخلاق جمعی جامعه آسیب محملی برای تنش خواهد بود. می توان انتظار داشت در چنین وضعیتی نیروی لذت جای اخلاق را بگیرد و حریم افراد را درنوردد. به بیان دورکیمی، آنومی ناخرسندی از کل قواعد اخلاقی، نفرت از کل نظم و به معنای توهین به اخلاق است.در واقع در شرایط آنومیک که مترادف با فساد و انحراف اخلاقی است، این دو عنصر آسیب می‌بینند (بخارایی،بیات و پرکیانی،۱۳۹۵:۱۰۲). در چنین شرایطی می‌توان انتظار داشت که به جای عدالت، تعدی و به جای تعادل، تضاد بر رفتار افراد حاکم شود و تنش سراسر جامعه را در بر گیرد. راه حل دورکیم در چنین وضعیتی، عدالت است. عدالت می‌تواند جامعه را به هم نگه دارد چرا که نوعی قواعد جدید بین فرد و جامعه پدید می‌آورد. در واقع عدالت درمانی است برای آنومی (بخارایی، بیات و پرکیانی،۱۳۹۵:۱۰۳).

هیرشی معتقد است که بزهکاری و انحرافات اجتماعی نظیر خشونت زمانی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شود یا به کلی از بین برود. این قیود را تحت چهار مفهوم کلی می‌توان خلاصه کرد:

- وابستگی[1]: حساسیتی است که شخص نسبت به عقاید دیگران درباره خود نشان می‌دهد. وابستگی در حقیقت نوعی قید و بند اخلاقی است که فرد را ملزم به رعایت معیارهای اجتماعی می‌کند. به نظر هیرشی، کسانی که به دیگران علاقه و توجه دارند، رفاه و احساسات آنان را در نظر می‌گیرند و با احساس مسئولیت نسبت به این افراد و حفظ ارتباط با آنها عمل می‌کنند. وی

[1] attachment

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

برهمین اساس، یادآور می‌شود که افراد فاقد این وابستگی، نگران آن نخواهند بود که روابط اجتماعی آنان به خطر افتد. بنابراین بیشتر احتمال دارد که به خشونت روی آورند.

– تعهد[1]: عنصر تعهد، بیانگر میزان پذیرش هدف‌های مرسوم جامعه و همچنین احساس دینی است که فرد نسبت به جامعه بر دوش خود احساس می‌کند. به عبارت دیگر، هیرشی بر آن است نشان دهد که هر قدر فرد نیاز بیشتری به سرمایه گذاری در خصوص کنش‌های موافق با جامعه احساس کند، دلیل بیشتری خواهد داشت که برای حفاظت از دستاوردهای خود با دیگران، همنوا بماند و در مقابل، کسانی که نیاز کمتری به این سرمایه گذاری احساس می کنند، خطر و ضرر کمتری را نیز در ارتکاب خشونت آمیز می‌بینند و حتی ممکن است در پی به دست آوردن فرصتی برای سود بردن از آن برآیند.

درگیر بودن[2]: عنصر درگیری، بیانگر میزان مشارکت افراد در نقش ها و فعالیت های اجتماعی است، به نظر هیرشی، کسانی که گرفتار کار، زندگی خانوادگی، سرگرمی و ... هستند، معمولاً فرصت کمتری برای درگیر شدن در رفتارهای کجروانه دارند. در عین حال به نظر او، همین مشارکت، فرد را در معرض انواعی از اهرم‌های کنترل اجتماعی قرار می‌دهد که افراد مرتبط با او، بر او اعمال می‌کنند. به همین نحو، آشکار است کسانی که در فعالیت مرسوم و متعارف جامعه مشارکت ندارند، فرصت و آزادی عمل بیشتری نیز برای دست یازیدن به رفتارهای کجروانه می‌یابند.

– باورها[3]: عنصر باور نیز بیانگر میزان اعتقاد فرد به اعتبار قواعد اخلاقی و اجتماعی، باور او نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی جامعه و وفاداری وی به آنها ست، به نظر هیرشی، اگر فردی جداً این باور را داشته باشد که درگیر شدن در گونه هایی خاص از رفتارها کار درستی نیست، مشارکت در آن رفتارها برای او دور از تصور خواهد بود. در مقابل، کسانی که اعتقاد و وفاداری ضعیفی نسبت به هنجارهای اخلاقی و اجتماعی دارند، ممکن است تمایل بیشتری به نادیده گرفتن آنها داشته و بیشتر به کجروی مبادرت ورزند (رابرتسون، ۱۳۷۲: ۱۷٦–۱۷٤).

از دیدگاه کنترل اجتماعی خشونت زمانی رخ می‌دهدکه بزهکاران به این نتیجه می‌رسند که مکانیسم‌های کنترل اجتماعی و ارزشها و معیارهایی که سابق بر این، رفتارهای آنان را تعیین

[1] commitment
[2] involvement
[3] beliefs

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

می‌کرد، دیگر تاثیر زیادی ندارند از نظر آلبرت هانتر [1] کنترل اجتماعی رسمی به اشکال متفاوتی چون تلقی ساکنان از مسئولیت پذیری پلیس، مشروعیت پلیس و عدالت رویه‌ای، اثر بخشی و رضامندی از پلیس مفهوم سازی شده است (روزنبام ،۱۳۷۹:۱۵۰) .

با توجه به اینکه در این محله ها کنترل رسمی و غیررسمی کمتر صورت می‌گیرد لذا افراد با انواع فرصت‌های انحرافی آشنا می‌شوند. برابر نظر اوهلین سه خرده فرهنگ انحرافی وجود دارد:

۱.خرده فرهنگ‌های جنایتکار: در این خرده فرهنگ ها فعالیت هایی مثل دزدی، سرقت مسلحانه و انواع جنایت‌های سازمان یافته انجام می‌شود. خرده فرهنگ جنایتکار در واقع موفق‌ترین شکل ارتکاب جرم محسوب می‌شود ولی همه جوانان بزهکار فرصت پیوستن به خرده فرهنگ جنایتکار را پیدا نمی‌کنند و یا در بعضی از محله های شهر وضعیت متفاوت بوده و سازماندهی قوی این گروه‌ها دیده نمی‌شود.

۲.خرده فرهنگ خشونت طلب: این گرو ه ها متشکل از افرادی با رفتارهای خشونت آمیز است که توجه زیادی را در جامعه به خود جلب می کنند. اعضای این گروه ها که جذب گروه اول نشده اند اغلب مرتکب اعمال خشونت آمیزی علیه دیگران می شوند و با ایجاد دارودسته های خشن در محلات برای خود کسب منزلت و موقعیت می کنند. افراد این گروه ها دارای بدن قوی، جنگ تن به تن، جرأت و میل به خطر کردن هستند. این افراد در صورت امکان خیلی زود جذب گروه های جنایتکار میجشوند.

۳. خرده فرهنگ های کناره گیر: این گونه افراد که فاقد جسارت ویژگی‌های گروه دوم هستند، معمولاً جذب گروه های بالا نمی شوند و با مصرف موادمخدر خود را سرگرم می‌کنند. این افراد کسانی هستند که نه تنها از ابزارهای مشروع جامعه محروم مانده اند بلکه به ابزارهای نامشروع نیز دسترسی نداشته و دچار شکست می شوند. شکست در جامعه و شکست در زاغه؛ انحرافات این گروه شامل استفاده از موادمخدر و فروش آن می باشد(ممتاز: ۱۳۸۱ : ۹۹).

بر طبق نظر یوال دیویس، قوم گرایی، جهان یکپارچه را دوشقه می کند؛ یعنی جهان ما را با جهان دیگران جدا می- سازد (سونسون[2]،۲۰۰۸:۱٦). این امر یعنی ایجاد گسست در جهان اجتماعی و پراکندن تخم نفاق در جامعه. بر طبق نظر هرزوگ [3]، (۲۰۰۷:۷۵)، قوم گرایی خود باعث ایجاد بسیاری از جرم هاست. تأیید رابطه بین قوم مداری و ارتکاب جرم خود دلیلی بر این مدعاست

[1] Hunter , A
[2] Swenson
3 Herzog

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

(تاناسیکوک[1]،۲۰۰۷:۲٤). ساندرز مهم‌ترین شکاف‌های ساختاری را شکاف‌های اجتماعی مربوط به گروه های مذهبی وگروه های قومی – زبانی دانسته است. ساندرز در جمع بندی نتایج مطالعات و رویکردهای مختلف تاکید می کند که نتایج و واقعیتها، گویای اهمیت آشکار شکاف‌های مذهبی – قومی در پیدایش کشمکش‌های خشونت آمیز می باشد و شکاف ریشه دار قومی و زبانی به طور اجتناب ناپذیری مشکلات پیچیدهجای را برای یکپارچگی سیاسی و تامین نظم سیاسی و ثبات پایدار به وجود میججآورد (بنی هاشمی،۱۳۸۲:٦٦٥). بروز درگیریجهای قومی وگروهی ناشی از هماهنگی قومی وگروهی است. بدین معنا که عواملی مثل: زبان، مذهب اجتماعی قومی، عادات و رسوم اخلاقی خاص قومی در زمره سرچشمه‌های اصلی هماهنگی قومی هستند که هزینه های فردی مراوده در درون قوم را تحت تأثیر قرار داده و انتظارات را با ثبات می کنند و بر پیشرفت و حفظ هوشیاری و منافع گروهی و قومی و به تبع آن شناسایی گروهی تأثیر می گذارند و گروه قومی را انسجام می بخشند. در جوامع کثیر القوم هماهنگی های درونی هریک از اقوام هر چند در ظاهر بی ضرر و کاملاً به نفع گروه آنان است. اما همین هماهنگی قومی و گروهی مبنایی برای ایجادکنش سیاسی یک قوم علیه قوم دیگر فراهم می آورد، سه عامل کالای معنوی ، شامل توزیع قدرت و پست‌های دولتی، کالاهای توزیعی نظیر منافع مادی، درآمد و رفاه و کنش متقابل بین این دو مورد از جمله عواملی هستند که هماهنگی گروهی و قومی را تقویت نموده و ماهیت درگیری های قومی را تشکیل می‌دهند. بر اساس نظریه ناکامی و ستیزه جویی دولارد وجود گروه های متمرکز، رقابت بر سر منابع و نابرابری قدرت از عمده دلایل نزاع بین گروه‌های قومی مختلف می‌باشند (صالحی امیری،۱۳۸۵:۹۲).

هاردن[2] اعتقاد دارد که ؛ ضمانت های اجرایی اجتماعی متشکل از هنجارها، قوانین و ... که در واقع مجموعاً حول یک محور اصلی، یعنی سرمایه‌های اجتماعی گردآمده اند و این عامل به منزله متضمن و ضمانت اصلی در فرآیند یک نظام ارتباطی است که در آن اعتماد اجتماعی بصورت واقعی وجود دارد و نبود یا فرسایش سرمایه‌های اجتماعی باعث از بین رفتن این شبکه روابط اجتماعی و درنتیجه عدم احساس روابط اجتماعی می‌شود که از نتایج آن کاهش همبستگی، وفاق، تعهدات اجتماعی، افزایش آنومی و آسیب‌های اجتماعی نظیر خشونت می‌شود (به نقل از قدیمی،۱۳۸٦:۳۳۵).

1 Tanasichuk
2 Hardin

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

تئوری بی سازمانی اجتماعی شاو و مک کی بر روی سازگاری گروهی نسبت به فرایندهای اجتماعی، از قبیل شهرنشینی و تغییر الگوهای رشد اقتصادی، بیشتر از بزهکاری فردی تاکید می‌نماید. اساس این تئوری آن است که برخی اجتماعات به خاطر اختلال در فرایندهای رسمی و غیر رسمی کنترل اجتماعی قادر به خود تنظیمی موثر[1] نیستند. این شرایط منجر به مختل شدن ساختار سازمانی محله می‌شود که سست شدن پیوندهای ساکنان نسبت به همدیگر و نسبت به اجتماع را به دنبال خواهد داشت. در نتیجه برخی ساکنان به طور طولانی مدت از کنترل‌های اجتماعی هنجاری پیروی نخواهند کرد. چرا که این اجتماعات بی سازمان قادر به درک ارزش‌های مشترک ساکنان و حل مسائل مختلف نیستند. به خاطر این که آن ها نمی توانند وفاق مربوط به ارزش‌ها، هنجارها، نقش‌ها یا توافق‌های سلسله مراتبی را در میان اعضایشان ایجاد یا حفظ نمایند. بر طبق تئوری بی سازمانی اجتماعی، سرمایه اجتماعی پایه و اساس کنترل اجتماعی است، به خاطر این که آن نیروی جمعی بیرونی را برای تحمیل نظم به وجود می‌آورد وآن چیزی است که گروه‌ها را نسبت به تحمیل هنجارها و در نتیجه نسبت به افزایش سطوح کنترل غیر رسمی‌شان توانا می‌سازد. بنابراین، اجتماعات سازمان نیافته تا حدودی گرفتار جرم و شرایط منفی دیگر می‌باشند، به خاطر این که آنها قادر به انباشت سرمایه اجتماعی لازم نیستند (چلبی و مبارکی،۱۳۸٤:۲٦) .

مدل پژوهش

از آنجا که هدف ما در این پژوهش، بررسی عوامل اجتماعی موثر بر خشونت خیابانی بر مبنای دیدگاه‌های مطرح شده می‌باشد، باید گفت: در این زمینه تقریباً هیچکدام از نظریه پردازان به تحلیل جامع این پدیده نپرداخته‌اند و هر کدام جنبه‌های خاصی از آن را بررسی کرده‌اند. از همین رو، در این پژوهش، سعی شده است با استفاده از نظریات مختلف اندیشمندان، مدل نظری جامع‌تری برای بررسی دقیق‌تر موضوع به عنوان چهارچوب نظری ارائه شود.

[1] Effectively self - Regulation

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جدول (۱) :متغیرهای موجود در پژوهش و سطح سنجش آن ها

نام متغیر	سطح سنجش	مبانی نظری	تعریف عملیاتی
کم رنگ شدن اعتقادات مذهبی	فاصله‌ای	تئوری هیرشی	پایبندی به شریعت و دستورات دینی شامل اخلاق و احکام دینی، علاقه و محبت به هم کیشان و احترام به پیروان ادیان دیگر، عدم گرایش به ظلم، عفو و گذشت، رعایت حلال و حرام، خوش اخلاقی و نیکوسازی رفتار، بیزاری از شر
افول اخلاق در فرهنگ عامه	فاصله‌ای	تئوری هیرشی، دورکیم	با ادب صحبت کردن با بزرگ ترها، اهمیت داشتن خوش رفتاری با دیگران، درستکاری و صداقت، وجود فرهنگ عفو و گذشت در جامعه
عدم اجرای درست قوانین توسط مسئولان امر	فاصله ای	هاردن،آلبرت هانتر	قاطعیت نیروی انتظامی و قوه قضاییه در برخورد با اراذل و اوباش، برخورد همراه با تکریم شهروندان توسط نیروی انتظامی، برقراری نظم و امنیت اجتماعی توسط نیروی انتظامی، اصل قانونمندی و تناسب مجازات ها
عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان	فاصله‌ای	بروس کوئن، یادگیری اجتماعی آلبرت باندورا	تاثیر دعواهای سیاسی در کشور در بروز خشونت، احساس خشنودی شهروندان از بداخلاقی های سیاسی و بین احزاب سیاسی در مجلس، استفاده مسئولین استانی از خشونت نسبت به زیردستان خود، امکان طرح آزادانه مباحث در مجلس حتی همراه با تندخویی و فحاشی نمایندگان
عدم رعایت هنجارهای ترافیکی	فاصله‌ای	تئوری هیرشی	رعایت حق تقدم، رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی هنگام عبور از خط عابر پیاده، رعایت آگاهانه و ارادی قوانین راهنمایی و رانندگی، رعایت قوانین و مقررات هنگام عبور از چراغ قرمز
جلب کردن توجه دیگران	فاصله‌ای	اوهلین	وارد شدن در دعوا و منازعه به خاطر جلب توجه، برخورد با ناقضان قانون و هنجارهای اجتماعی در محیط های شلوغ، احساس رهبر بودن در گروه هنگام دعوا و درگیری، دفاع فیزیکی از شهروندان به خاطر تحسین دیگران
بزه دیده گی	فاصله‌ای	ریموند گسن	آزار و اذیت فیزیکی شهروندان به خاطر متلک گویی آنان، رفتار طرف مقابل در هنگام دعوا، طرز پوشش و طرز رفتار شهروندان
افت سرمایه اجتماعی	فاصله‌ای	کلمن، شاو و مکی	حل و فصل منازعات صورت گرفته به عنوان میانجی، رفع مشکلات همسایگان، مشارکت در تامین امنیت محله، اعتماد به شهروندان ، برخورداری از حمایت اجتماعی همسایگان، صداقت در جامعه
قومجگرایی	فاصله‌ای	دولارد، ساندرز، یوال دیویس	ازدواج درون قومی، تعامل صرف با قوم و طایفه خود، برتر دانستن قومیت خود

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

فرضیه‌های تحقیق

۱- بین کم رنگ شدن اعتقادات دینی با گرایش شهروندان ارومیه به خشونت خیابانی رابطه وجود دارد.

۲- بین افول اخلاق در فرهنگ عامه با گرایش شهروندان ارومیه به خشونت خیابانی رابطه وجود دارد.

۳- بین عدم اجرای درست قوانین از سوی متولیان امر با گرایش شهروندان ارومیه به خشونت خیابانی رابطه وجود دارد.

٤- بین عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان با گرایش شهروندان ارومیه به خشونت خیابانی رابطه وجود دارد.

۵- بین عدم رعایت هنجارهای ترافیکی با گرایش شهروندان ارومیه به خشونت خیابانی رابطه وجود دارد.

٦- بین جلب کردن توجه دیگران با گرایش شهروندان ارومیه به خشونت خیابانی رابطه وجود دارد.

۷- بین بزه دیده گی با گرایش شهروندان ارومیه به خشونت خیابانی رابطه وجود دارد.

۸- بین افت سرمایه اجتماعی با گرایش شهروندان ارومیه به خشونت خیابانی رابطه وجود دارد.

۹- بین قوم گرایی با گرایش شهروندان ارومیه به خشونت خیابانی رابطه وجود دارد.

روش شناسی

روش مورد استفاده در این پژوهش پیمایش می‌باشد. جمع آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه محق ساخته انجام گرفته است. جامعه آماری مورد مطالعه شهروندان بین سنین ۱۸ تا ٦۵ سال شهر ارومیه می‌باشد که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ کشور، کل جمعیت این گروه سنی ٦٦۷۰۲٤ نفر می‌باشند. قلمرو مکانی شهر ارومیه و قلمرو زمانی سال ۱۳۹۳ می‌باشد. حجم نمونه ٤٦۸ نفر از شهروندان ارومیه که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب گردیده‌اند. پس از تعیین حجم نمونه، شهر به پنج خوشه تقسیم شده، سپس مناطق هر خوشه با توجه به میزان تقریبی جمعیت هریک از محلات، نمونه مورد مطالعه انتخاب شده است. مناطق در این تحقیق عبارتند از منطقه ۱ شامل شهروندان ساکن در خیابان ابوذر، خیابان ولیعصر، خیابان صمدزاده، خیابان مجاهد، قاسمیه و اطراف ترمینال شهرستان. منطقه ۲ شامل خیابانججهای امینی، عطایی، امام، کاشانی، خیام جنوبی و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

شمالی، سرداران ۱و۲. منطقه ۳ شامل خیابان استادشهریار، آپادانا و شهرک ایثار. منطقه٤ شامل خیابان‌های میثم، البرز، فرهنگ، ساحلی و منطقه ۵ شامل خیابان دانشکده، مولوی، رودکی، بهداری، سعدی و آزادگان می‌باشد.

جدول۲:نتیجه آزمون روایی به تفکیک طیف های پرسشنامه

نام طیف	آلفای کرونباخ
خشونت خیابانی	۰/۷۸
افول اخلاق در فرهنگ عامه	۰/۸۲
کم رنگ شدن اعتقادات مذهبی	۰/۷٦
بزه دیده گی	۰/۷۵
عدم رعایت هنجارهای ترافیکی	۰/۸۱
عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان	۰/٦۹
جلب کردن توجه دیگران	۰/۷۷
عدم اجرای درست قوانین توسط متولیان امر	۰/۸٤
قوم گرایی	۰/۸٦
افت سرمایه اجتماعی	۰/۸۰

جهت ارزیابی اعتبار سازه‌ای گرایش شهروندان به خشونت خیابانی ضمن استناد به مبانی نظری تحقیق از تحلیل عامل استفاده شد. برای سنجش گرایش به خشونت خیابانی از گویه‌هایی نظیر: ۱- ضایع شدن حق کاندیدای مورد طرفدار در انتخابات و اقدام به خشونت در خیابان. ۲-توهین و فحاشی سایر گروه های قومی به، خانواده و اعضای گروه های قومی من، ۳- اقدام به خشونت خیابانی و شرکت در آن نشانه غیرت و مردانگی است.٤- نرسیدن به حق و حقوق قانونی و اقدام به خشونت در خیابان. ۵-لطمه خوردن و حیثیت فامیلی و درمیان بودن مسئله ناموسی. ٦-بی احترامی به خویشاوندان و ریش سفیدان. ۷-تمایل به انتقام گرفتن از گروه‌های قومی دیگر .

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

یافته‌های تحقیق

داده‌های تحقیق حاصل استخراج پرسشنامه‌هایی است که توسط ٤٦٨ شهروند ارومیه ای در شهر ارومیه تکمیل گردیده و اساس تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر قرار گرفته است که با استفاده از بسته نرمجافزاری برای علوم‌اجتماعی(spss) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. از تعداد نمونه آماری ۵۷/۵ درصد شهروندان مورد مطالعه مرد و ٤۲/۵ درصد آنان زن بوده و تحصیلات ۱۰/۰ درصد شهروندان مورد مطالعه زیردیپلم ، ۳۲/۵ درصد دیپلم ، ١٦/۵ درصد فوق دیپلم، ٣٦/٨ درصد لیسانس و ٤/٣ درصد فوق لیسانس می‌باشند. ٤۲/۱ درصد شهروندان مورد مطالعه مجرد و ٥٦ درصد آنان متاهل، ۰/۹ درصد از شهروندان مورد مطالعه طلاق گرفته و ۱/۱ درصد از آنان بی‌همسر، ۷۸/۲ درصد شهروندان مورد مطالعه ترک، ١٦/۲ درصد شهروندان مورد مطالعه کرد و۵/٦ درصد از آنان مسیحی می باشند. محل سکونت ۲۱/٦ درصد از شهروندان مورد مطالعه در منطقه ۱، ۲۱/۸ درصد در منطقه ۲، ۱۹/٤ درصد در منطقه ۳، ۱۲/۸ درصد در منطقه٤و ۲٤/٤ درصد از آنان در منطقه۵ سکونت دارند. میانگین نمره گرایش شهروندان مورد مطالعه به خشونت خیابانی برابر با ٤۱/۲۷ درصد است که این نمره در مقایسه با دامنه نمره(۸تا ۸۵ درصد) در حد متوسط است. میانگین افول اخلاق در فرهنگ عامه از نظر شهروندان ۲۸/۳۷ درصد که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۰تا ۸۹ درصد) در حد پایینی است. میانگین نمره بزه دیده گی از نظر شهروندان ۵۲/۱۳ درصد که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۰تا ۱۰۰ درصد) در حد متوسط به بالا است. میانگین نمره عدم رعایت هنجارهای ترافیکی توسط شهروندان ارومیه ٦۸/٤۵ درصد که این نمره در مقایسه با دامنه نمره(۰تا ۱۰۰ درصد) در حد بالایی است. میانگین نمره جلب کردن توجه دیگران ۳۵/۲٦ درصد که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۰تا ۱۰۰ درصد) در حد متوسطی است. میانگین عدم اجرای درست قوانین از سوی متولیان امر از نظر شهروندان ٤٦/۹۲ درصد که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (٦/۲۵تا ۹۷ درصد) در حد متوسطی است. میانگین نمره قوم گرایی شهروندان مورد مطالعه ۵۲/۳۱ درصد که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۰تا ۱۰۰ درصد) در حد بالایی است. میانگین نمره افت سرمایه اجتماعی از نظر شهروندان ٤۵/۲۷ درصد که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۱۱تا ۹٦ درصد) در حد متوسطی است. میانگین نمره کم رنگ شدن اعتقادات دینی از نظر شهروندان ۳۲/۳٦ درصد که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۰تا ۹٤ درصد) در حد متوسطی است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

آزمون فرضیه‌های پژوهش

در قسمت تحلیل داده ها با استفاده از تکنیک‌های آماری متناسب با سطح سنجش متغیرها، داده‌های تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این بخش برای سنجش و ارزیابی رابطه بین متغیرهای مستقل(بزه دیده گی ، افول اخلاق در فرهنگ عامه، جلب کردن توجه دیگران، عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان، عدم رعایت هنجارهای ترافیکی، عدم اجرای درست قوانین از سوی متولیان امر، قوم گرایی) که در سطح سنجش فاصله‌ای و توزیع نرمال با متغیر وابسته (گرایش به خشونت خیابانی) از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج آزمون به شرح ذیل می‌باشد.

جدول (۳)ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و گرایش شهروندان به خشونت خیابانی

همبستگی پیرسون		حجم نمونه	همبستگی	سطح معناداری
گرایش شهروندان به خشونت خیابانی	کم رنگ شدن اعتقادات مذهبی	٤٦٨	۰/۲۳٦	۰/۰۰۱
	افول اخلاق در فرهنگ عامه	٤٦٨	۰/۳٦۷	۰/۰۰۱
	عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان	٤٦٨	۰/۲۹۸	۰/۰۰۱
	عدم اجرای درست قوانین از سوی متولیان امر	٤٦٨	۰/۱۹۸	۰/۰۰۱
	عدم رعایت هنجارهای ترافیکی	٤٦٨	۰/۳۰۲	۰/۰۰۱
	جلب کردن توجه دیگران	٤٦٨	۰/۳۰۲	۰/۰۰۱
	بزه دیده گی	٤٦٨	۰/۳۱۲	۰/۰۰۱
	افت سرمایه اجتماعی	٤٦٨	۰/۱۷۵	۰/۰۰۱
	قوم گرایی	٤٦٨	۰/۲۰۷	۰/۰۰۱

بر اساس نتایج بدست آمده از جدول فوق ملاحظه می شود که تمامی متغیرهای موجود در پژوهش با گرایش شهروندان به خشونت خیابانی رابطه مستقیم و مثبت دارند. نتایج مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد که رابطه معناداری حداقل در سطح ۹۵ درصد بین گرایش شهروندان به خشونت خیابانی و متغیرهای کم رنگ شدن اعتقادات مذهبی (r=۰/۲۳٦)، افول اخلاق در فرهنگ عامه (r=۰/۳٦۷)، عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان (r=۰/۲۹۸)، عدم

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

اجرای درست قوانین از سوی متولیان امر (r=۰/۱۹۸)، عدم رعایت هنجارهای ترافیکی (r=۰/۳۰۲)، جلب کردن توجه دیگران (r=۰/۳۰۲)، بزه دیده گی (r=۰/۳۱۲)، افت سرمایه اجتماعی (r=۰/۱۷۵)، قومجگرایی (r=۰/۲۰۷) وجود دارد. در نهایت برای انجام تحلیل رگرسیونی کلیه عوامل موثر (متغیرهای مستقل: بزه دیده گی، افول اخلاق در فرهنگ عامه، جلب کردن توجه دیگران، عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان، عدم رعایت هنجارهای ترافیکی، عدم اجرای درست قوانین از سوی متولیان امر، قوم گرایی) به روش گام به گام وارد مدل شدند.

جدول(٤) تحلیل واریانس رگرسیون چند گانه "خشونت خیابانی"

منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مربعات	میانگین مربعات	ضریب همبستگی چندگانه	مجذور ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی تعدیل شده	اشتباه معیار	F	سطح معنا دار ی P
اثر رگرسیون	۷	۲۵۷۱۳/۹۷۸	۳٦۷۳/٤۲٥	۰/٥۹۷	۰/۳٥٦	۰/۳٤٦	۱۰/۱۳	۳٥/۷۸	۰/۰۰۱
باقی مانده	٤٥۳	٤٦٥۰۷/۹۷۳	۱۰۲/٦٦۷						
کل	٤٦۰	۷۲۲۲۱/۹٥۱							

در جدول شماره ٤ نشان میجدهد که ضریب بتا برای ۷ متغیر حداقل در سطح ۹۵ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنادار است. طبق جدول شماره ۲ ضریب نهایی رگرسیون چند گانه M.R =۰/۵۹۷ و مجذور آن یعنی ضریب تعیین = ۰/۳۵٦ می‌باشد. همچنین ضریب تعیین تصحیح شده برابر۰/۳٤٦ می‌باشد بنابراین به صورت واقعی و تعدیل یافته ۳٤/٦ درصد از واریانس خشونت خیابانی توسط متغیرهای مستقل تبیین و پیش بینی می‌شود.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جدول (۵) عناصر متغیرهای مستقل درون معادله برای پیش بینی گرایش شهروندان به خشونت خیابانی

مدل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	t	سطح معنی داری
	B	Std.Error	Beta		
عدد ثابت	۱۲/۹٤	۳/٥٦		۳/٦۳	۰/۰۰۱
افول اخلاق در فرهنگ عامه	۰/۱۸۳	۰/۰۳٤	۰/۲۱٥	٥/۳۳۲	۰/۰۰۱
بزه دیده گی	۰/۲۲٤	۰/۰۲۸	۰/۳۱	۸/۱۲۹	۰/۰۰۱
عدم رعایت هنجارهای ترافیکی	۰/۰۷٥	۰/۰۲۳	۰/۱۳٥	۳/۲۷	۰/۰۰۱
عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان	۰/۱۲۰	۰/۰۳۱	۰/۱٥۳	۳/۸۱۳	۰/۰۰۱
جلب کردن توجه دیگران	۰/۱۰٥	۰/۰۲۷	۰/۱٦۲	۳/۹۱۳	۰/۰۰۱
عدم اجرای درست قوانین از سوی متولیان امر	۰/۰۸٥	۰/۰۲۹	۰/۱۱٤	۲/۹٦۲	۰/۰۰۳
قوم گرایی	۰/۰۸۳	۰/۰۳۱	۰/۱۰٥	۲/۷۲۱	۰/۰۰۷

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی چند گانه متغیرهای موجود در معادله را می‌توان به صورت استاندارد شده و در رابطه ریاضی زیر نشان داد

۱۲/۹٤+(قوم گرایی)۰/۱۰٥+(عدم اجرای درست قوانین ازسوی متولیان امر)۰/۱۱٤+(عدم رعایت هنجارهای ترافیکی)۰/۱۳٥+(عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان)۰/۱٥۳+(جلب کردن توجه دیگران)۰/۱٦۲ +(افول اخلاق در فرهنگ عامه)۰/۲۱٥+(بزه دیده گی)۰/۳۱= گرایش شهروندان به خشونت خیابانی

همان طور که در معادله فوق مشاهده می‌شود گرایش شهروندان به خشونت خیابانی بیشتر از هر متغیر دیگری از متغیر بزه دیده‌گی شهروندان متاثر است . به عبارت دقیق‌تر، به ترتیب بزه دیدهجگی، افول اخلاق در فرهنگ عامه، جلب کردن توجه دیگران، عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان، عدم رعایت هنجارهای ترافیکی، عدم اجرای درست قوانین از سوی متولیان امر، قوم گرایی تاثیر زیادی روی گرایش شهروندان به خشونت خیابانی دارند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق با این هدف شروع شد تا عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش شهروندان ارومیه به خشونت خیابانی را مورد بحث و بررسی قرار دهد. میانگین نمره گرایش شهروندان مورد مطالعه به خشونت خیابانی برابر با ٤۱/۲۷ درصد است که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۸تا ۸۵ درصد) در حد متوسط است. نتایج ضریب رگرسیونی نشان می‌دهد که ۷ متغیر بزه دیدهجگی، افول اخلاق در فرهنگ عامه، جلب کردن توجه دیگران، عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان، عدم رعایت هنجارهای ترافیکی، عدم اجرای درست قوانین از سوی متولیان امر و قوم گرایی در مجموع به صورت واقعی و تعدیل یافته ۳٤/٦ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین و توضیح کرده اند. نتایج مربوط به تحلیل رگرسیونی بیانگر این مطلب است که بزه دیده گی بیشترین ارتباط را بصورت مستقیم با گرایش شهروندان به خشونت خیابانی دارد.

نتایج تحقیق در ارتباط نظری با دیدگاه ها و نظریات مطرح شده گویای پیوند منطقی بین سطح نظری تحقیق و سطح تجربی آن است. نظریات بیجسازمانی اجتماعی شاو و مک کی، یادگیری اجتماعی باندورا، یوال دیویس، ساندرز و دولارد (قوم گرایی)، گسن (بزه دیده‌گی)، آنومی دورکیم، کنترل اجتماعی هیرشی و آلبرت هانتر بر عوامل موثر بر خشونت خیابانی تاکید کرده اند. هیرشی معتقد است که خشونت زمانی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شود یا به کلی از بین برود این قیود را تحت چهار مفهوم کلی(وابستگی، تعهد، درگیر بودن، باورها) می‌توان خلاصه کرد: عنصر تعهد، بیانگر میزان پذیرش هدف های مرسوم جامعه و همچنین احساس دینی است که فرد نسبت به جامعه بر دوش خود احساس می‌کند. به نظر هیرشی کسانی که اعتقاد و وفاداری ضعیفی نسبت به هنجارهای اخلاقی و اجتماعی دارند، ممکن است تمایل بیشتری به نادیده گرفتن آنها داشته و بیشتر به خشونت خیابانی مبادرت ورزند. از دیدگاه تئوری هیرشی، خشونت خیابانی مانند دیگر اشکال بزهکاری، معلول کاهش و فقدان نظارت و کنترل اجتماعی است. زمانی که کنترل اجتماعی تضعیف می‌گردد، متقابلاً یکپارچگی اجتماعی دستخوش زوال و نقصان می‌شود که این خود به کاهش اقتدار ناشی از یکپارچگی منجر شده و بالاخره در اثر آن توانایی پیشگیری مؤثر از بزهکاری و انحراف نقصان یافته، احتمال بروز خشونت افزایش می‌یابد. طبق نظریه بی سازمانی اجتماعی شوومک کی وجود تضاد فرهنگی در محلات و زوال وضعیت سازمانهای اجتماعی یکی از مهمترین علت جنایت است. بر طبق نظر گسن «بزه دیده» به عنوان یکی از عوامل پیش جنایی می تواند نقش مهمی در فرآیند ارتکاب خشونت

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

خیابانی بازی کند، چرا که او علاوه بر تسریع فرآیند گذر از اندیشه به فعل مجرمانه از طریق تحریک، ترغیب، اغوا، ... بزه کار بالقوه، ممکن است به خاطر خصوصیات آسیب شناختی، فرصت و مناسبت ارتکاب عمل را به عنوان آماج هایی مناسب برای بزه کاران بالقوه فراهم نماید. با توجه به رابطه مستقیم کم رنگ شدن اعتقادات مذهبی با گرایش شهروندان به خشونت خیابانی؛ نتایج پژوهش حاضر با دیدگاه هیرشی همسو می‌باشد.

با توجه به رابطه مستقیم عدم اجرای قوانین از سوی متولیان امر با گرایش شهروندان به خشونت خیابانی؛ نتایج پژوهش حاضر با دیدگاه هادون و دورکیم همسو می باشد، بطوریکه طبق نظر دورکیم در جوامع ارگانیکی کارکرد قانون، تنظیم کنش‌های متقابل بخش‌های مختلف جامعه است. هنگامی که این قوانین کافی نباشند یا درست اعمال نشوند، مسایل اجتماعی متنوعی رخ می‌دهد و خشونت خیابانی یکی از آنهاست. هادون (۲۰۰۳) معتقد است هنگامی که مردم پلیس را در کنترل جرم، ناکارآمد تلقی می‌کنند، ارتکاب خشونت بیشتر می‌شود.

با توجه به رابطه مستقیم افول اخلاق در فرهنگ عامه و عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان با گرایش شهروندان به خشونت خیابانی؛ نتایج پژوهش حاضربا دیدگاه بی سازمانی اجتماعی شاو و مکی همسو می‌باشد، بطوریکه طبق نظریه بی سازمانی اجتماعی شاوومک کی وجود تضاد فرهنگی در محلات و زوال وضعیت سازمان‌های اجتماعی یکی از مهمترین علت جنایت است.

با توجه به رابطه مستقیم جلب کردن توجه دیگران با گرایش شهروندان به خشونت خیابانی؛ نتایج پژوهش حاضر با نظریه فشار اگنیو همسو می‌باشد، بطوریکه بر طبق نظریه فشار اگنیو یکی از انواع اهداف ارزشمند موقعیت و احترام است. این نوع یکی از ویژگی‌های بخصوص برای موقعیت مردان است. این نوع موقعیت از لحاظ فرهنگی متفاوت است، اما برای افراد و به منظور اثبات مردانگی شان، ممکن است برای دستیابی به این موقعیت مرتکب خشونت شوند. ویژگیهایی که با صفت مردانگی مرتبط است، اغلب از طریق رفتار خشونت آمیز نشان داده شده است. همچنین نتایج پژوهش حاضر با نتیجه تحقیق ظهور در یک راستا می‌باشد.

با توجه به رابطه مستقیم قوم گرایی با گرایش شهروندان به خشونت خیابانی؛ نتایج پژوهش حاضر با نظریه یوال دیویس همسو می باشد،همچنین با نتایج پژوهش ربانی و همکاران (۱۳۸۸) تحت عنوان «بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی موثر بر گرایش به نزاع جمعی (مطالعه موردی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

شهرستان های منتخب استان ایلام)» به انجام رسید و در آن تحقیق نشان داده شد که قوم گرایی بیشترین تاثیر را بر گرایش به نزاع جمعی داشت، در یک راستا می‌باشد.

با توجه به رابطه مستقیم بزه دیده گی با گرایش شهروندان به خشونت خیابانی؛ نتایج پژوهش حاضر با نظریه گسن و ژان پیناتل همسو می باشد، بر طبق نظر گسن «بزه دیده» به عنوان یکی از عوامل پیش جنایی می‌تواند نقش مهمی در فرآیند ارتکاب خشونت خیابانی بازی کند، چرا که او علاوه بر تسریع فرآیند گذر ازاندیشه به فعل مجرمانه از طریق تحریک، ترغیب، اغوا، ... بزه کار بالقوه، ممکن است به خاطر خصوصیات آسیب شناختی، فرصت و مناسبت ارتکاب عمل را به عنوان آماج‌هایی مناسب برای بزه کاران بالقوه فراهم نماید. هانری الن برگر نیز با به کار بردن مفهوم «بزه دیده پنهان» از اشخاصی نام می‌برد که از خود استعداد دایمی و ناخودآگاه در ایفای نقش بزه دیده بروز می‌دهند و ژان پیناتل (جرمجشناس فرانسوی) آنها را به بره‌هایی تشبیه می‌کند که گرگ‌ها را به سوی خود جلب می‌کنند. همچنین نتایج پژوهش حاضر با تحقیق حیدری چروده در یک راستا می‌باشد.

راهکارها و پیشنهادات

۱- زمانی که وجود الزام های اخلاقی یا ضرورت های اجتماعی زندگی تحمل ناپذیر می‌شود و به بی هنجاری می‌انجامد، باید جامعه و مسئولان را نسبت به امور اخلاقی و رعایت اخلاق که از ضروریات دین مبین اسلام است آگاه نمود تا نسبت به رعایت هنجارها و قوانین درجامعه اقدام نمایند.

۲- با توجه به ارتباط بین عدم اجرای درست قانون از سوی متولیان امر و گرایش به خشونت خیابانی پیشنهاد می‌شود؛ تقویت عملکرد موفق پلیس و اجرای صحیح قوانین که می‌تواند این اطمینان را ایجاد کند که قانون و مجریان آن کارایی لازم را دارند و نیازی به حل مسائل و مشکلات از راههای عرفی غیر قانونی نیست.

۳- برگزاری کارگاه های استانداردسازی تعالی رفتار ضابطین قوهجقضاییه (پلیس) و حتی قضات در راستای حفظ منزلت شهروندان و برخورد احترام آمیز با آنان از یکسو و کسب دانش‌ها، گرایش ها و مهارت های معین جهت تغییر عینی رفتار در هنگام تعامل با شهروندان و جلب رضایتمندی آنان، در دستورکار قرار گیرد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

٤- با توجه به ارتباط بین عدمجرعایت هنجارهای ترافیکی و گرایش شهروندان به خشونت خیابانی پیشنهاد می‌شود شورای ترافیک استان در برنامه ریزی های ترافیکی خود موارد ذیل را بعنوان اولویت‌های فرهنگجسازی ترافیک مد نظر قرار دهند. اقدام به برگزاری دورهجهای آموزش مهارت های ارتباط موثر با شهروندان به متقاضیان اخذ گواهینامه با دریافت هزینه از خود آنان نماید. همچنین اقدام به برگزاری دوره‌های آموزش ضوابط رعایت حق تقدم در رانندگی و آموزش مکرر این قوانین از طریق وسایل سمعی- بصری بخصوص صدا و سیما که موجب می‌شود تا همه شهروندان با حقوق خود در رانندگی آشنا شوند و کمتر تصادف و برخورد در معابر به وجود بیاید.
۵- با توجه به ارتباط معنادار بین عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان و گرایش شهروندان به خشونت خیابانی پیشنهاد می‌شود؛ مسئولان استانی و کشوری بداخلاقی‌های سیاسی خود را کنار گذشته یا حتی المقدور از انتشار بد اخلاقی های آنان در رسانه‌ها کاسته شود. همچنین بایستی مسئولان استانی برای برقراری نظم و رعایت قانون از خشونت کلامی نسبت به زیر دستان خود استفاده نکنند.
٦- با توجه به ارتباط بین قوم گرایی با گرایش شهروندان به خشونت خیابانی پیشنهاد می‌شود که؛ قوم گرایی افراد جامعه توسط مسئولان، نهادها و سازمان‌ها با در نظر داشتن احترام به این قومیت ها تعدیل شود. همچنین از دامن زدن به مسائل قومی در شهر ارومیه بپرهیزند.
۷- یکی دیگر از عامل هایی که در این بررسی ارتباط معنی داری با خشونت خیابانی دارد، عامل ضعف اعتقادات مذهبی در آنان است. در جامعه باید تلاش شود از راه‌های کارشناسی شده و درست، اعتقادات مذهبی را ملکه ذهن افراد در معرض آسیب قرار داد. چرا که افراد مذهبی کمتر دست به ناهنجاری های اخلاقی و اجتماعی می زنند. پایبندی دینی از جمله عوامل مؤثر در کاهش انحرافات اجتماعی است. پس باید به آموزه‌ها و رهنمودهای دینی توجه ویژه داشت و سازمان‌های مسئول، مثل اداره تبلیغات اسلامی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، صدا و سیما، مدارس، دانشگاه ها، باید توجه ویژه ای به این مهم داشته باشند و در نشر درست اندیشه‌های اسلامی به صورت کارشناسی و دقیق نهایت سعی و تلاش خود را بکار بگیرند.
۸- با توجه به یافته های تحقیق حاضر در زمینه ارتباط بین افت سرمایه اجتماعی و خشونت، به همسایگان توصیه می‌شود افرادی که در یک محله ساکن هستند با ایجاد انجمن‌های مختلف محلی و شرکت فعال در آنها به مرور زمان اعتماد متقابل را بین همسایگان به وجود آورند که خود این انجمن‌ها باعث تقویت سرمایه اجتماعی محل گشته و می‌توانند از بروز جرایم مختلف در آن محله

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جلوگیری نمایند. علاوه بر آن، افرادی که عضو این انجمن‌ها هستند دیگر به خود اجازه ارتکاب جرم را نخواهند داد، چرا که در صورت انجام دادن رفتارهای کجرو ، از طرف اعضای محله طرد خواهند شد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

منابع و مآخذ:

۱- آقاجانی، نصرالله . (۱۳۸۳) . «تکثر خشونت در آزارهای خیابانی »، **فصلنامه کتاب زنان**، سال ششم، شماره ۲۳.ص۱٦۰-۱۸۸.

۲- بخارایی، احمد، بیات، بهرام و پرکیانی، طاهره (۱۳۹۵) مطالعه عوامل اجتماعی موثر بر گرایش به نزاع های خیابانی در شهرستان بندرعباس، نظم و امنیت انتظامی، دوره ۹ ، شماره ۲ (پیاپی ۳٤)، ص ۹۷ - ۱۱۷ .

۳- توجهی، عبدالعلی. (۱۳۷۷) .جایگاه بزه دیده در سیاست جنایی ایران، پایان نامه دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.

٤- چلبی، مسعود و مبارکی، محمد. (۱۳۸٤). «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان». مجله جامعه شناسی ایران . دوره ششم، شماره ۲ تابستان ۱۳۸٤ .ص۳-٤٤.

۵- حیدری چروده،مجید.(۱۳۸۹). تحلیل جامعه شناختی تاثیر رفتار قربانیان خشونت و ارتباط آن با رفتار خشونت آمیز علیه آنان. مجله بررسی مسایل اجتماعی ایران،سال اول، شماره دوم، تابستان۸۹. ص۵۵-۷۹.

٦- جهانگیری،جهانگیر و زهدبیگلری،سیدمحسن.(۱۳۹۳). برساخت‌های شخصی پسران از نزاع‌های بین فردی خود در بستر محلات شیراز (مشارکت کنندگان: مهرجویان کانون اصلاح و تربیت استان فارس)، مطالعات جامعه شناختی شهری (مطالعات شهری)، دوره ۵، شماره ۱ ،ص۸۳-۱۰۸.

۷- رابرتسون، یان. (۱۳۷۲). درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

۸- ربانی خوراسگانی، رسول، عباس‌زاده، محمد، نظری، جواد.(۱۳۸۸). بررسی عوامل اجتماعی – فرهنگی موثر بر گرایش به نزاع های جمعی (مطالعه موردی: شهرستان‌های منتخب استان ایلام)، فصلنامه علمی پژوهشی انتظام اجتماعی، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۸ ، ص ۱۰٤- ۱۲٦.

۹- روزنبام، دنیس. (۱۳۷۹). پیشگیری وضعی از جرم، ترجمه رضا پرویزی، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۳۲.ص۱٤۷-۱۷۲.

۱۰- ساروخانی، باقر. (۱۳۷٦). طلاق ـ پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۱۱- سالنامه آماری استان آذربایجان غربی.(۱۳۹٤).

۱۲- صالحی امیری،سیدرضا.(۱۳۸۵).مدیریت منازعات قوم در ایران،تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۱۳- صدیق سروستانی، رحمت الله. (۱۳۸۷). آسیب‌های اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات اجتماعی). تهران: انتشارات سمت ، چاپ چهارم.

۱٤- طالب،مهدی؛نجفی اصل،زهره و احمدی اوندی،ذوالفقار.(۱۳۹٦). مطالعه کیفی عوامل اجتماعی ـ فرهنگی مؤثر بر نزاع‌های دسته جمعی (مورد مطالعه: شهرستان ایذه)،فصلنامه علمی پژوهشی توسعه اجتماعی، دوره ۱۱، شماره ٤، شماره پیاپی ٤٤، ص۷۱-۱۰۲.

۱۵- عبداللهی، محمد . (۱۳۸۳). طرح مسائل اجتماعی در ایران ک اهداف و ضرورت ها. مجموعه مقاله های مسایل اجتماعی ایران، تهران: موسسه نشر اگه.

۱٦- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). انسان شناسی شهری، تهران: نشر نی.

۱۷- قدیمی، مهدی.(۱۳۸٦).بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه های زنجان، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره۵۳،ص۳۲۵-۳۵٦.

۱۸- قربانی، رقیه.(۱۳۹۵).نزاع مهمترین آسیب اجتماعی استان آذربایجان غربی، روزنامه آراز آذربایجان، ۱اسفند، ص٤

۱۹- کلمن، جیمز .(۱۳۷۷). بنیادهای نظریه جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ اول .

۲۰- کوزر،لوئیس.(۱۳۹۳). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی،تهران:انتشارات علمی.

۲۱- کوئن،بروس. (۱۳۸٦). درآمدی بر جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.

۲۲- گسن، ریموند. (۱۳۷٤). جرم شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران: انتشارات مجمع علمی و فرهنگی.

۲۳- گیدنز،آنتونی.(۱۳۷٤).جامعه شناسی،ترجمه منوچهر صبوری،تهران:نشرنی.

۲٤- ممتاز، فریده.(۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی ، دیدگاهها و نظریه ها. تهران: شرکت سهامی انتشارات.

۲۵- ناظری، مهرداد. (۱۳۸۹). «افت سرمایه اجتماعی ، گسترش نزاع های خیابانی» ماهنامه گزارش، سال نوزدهم، شماره ۲۱٦، اسفند ماه ۸۸ و فروردین ۸۹ .ص ۳۰-۳۲.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۲۶- نصیری،نوراله.(۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر گرایش به نزاع‌های دسته جمعی شهرستان کارون، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی.

۲۷- نظری، جواد و امینی فسخودی، عباس.(۱۳۸۷). تبیین جامعه شناختی عوامل موثر بر گرایش به نزاع جمعی در مناطق روستایی استان ایلام. فصلنامه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز.شماره ٥٤.ص۱۸۷-۲۱۰.

۲۸- نیرومند زندی، کیانوش. حسین‌زاده، مریم. نجفی، دولت آباد، شهلا. علوی مجد، حمید. خاتمی زنوزیان، آزیتا. (۱۳۸۳). «بررسی نوع و شدت صدمات جسمی ناشی از ضرب و جرح عمومی در زنان مراجعه کننده به مرکز پزشکی قانونی، شهر تهران در سال ۱۳۸۲ . مجله پژوهنده. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، جلد ۱۰، شماره ۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸٤.ص ۹- ۱۵ .

29- Carr, S: Francis,Rivlin, L. G. & Stone; A.M.(1992). Public space, Cambridge Cambridge, University Press.

30- Herzog, S. (2007). Does the ethnicity of offenders in crime scenarios affect public perceptions of crime seriousness? A randomized survey experiment in Israel. Social Forces, 82, 757-781.

31- Svensson, Asa.(2008) .The Interlations between Ethnicity and Sexuality in Shyam Selvadurai's Funny Boy, School of Humanities Advanced Level English EN4094, Supervisor: Piia Posti 15 hp Examiner: Maria Olaussen June 4, 2008

32- Tanasichuk, Carriel .(2007) .The influence of offender and victim ethnicityon perceptions of crime severity and recommended punishment, A Thesis Submitted to the College of Graduate Studies and Research, In PartialFulfillment of the Requirements For the Degree of Master of Arts, in the Department of Psychology, University of Saskatchewan, Saskatoon.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]